

شرح حال

ابوالفتوح رازی

ابوالفضل عرب زاده

کسانی مانند پدر و عمو و شیخ ابوالوفا عبدالجبار بن عبدالله بن علی مقرئ رازی و شیخ ابوعلی حسن بن محمد بن حسن طوسی فرزند شیخ طوسی و قاضی عمادالدین ابو محمد حسن بن محمد استرآبادی دانش آموخته و روایت کرده است.^۴

ابوالفتوح از مراتب علمی، کمال بهره‌وری را داشت و از فضیلت بسیار برخوردار بود و از علما و مشایخ حدیث و روایاتی بسیار نقل می‌کرد و از همه فضیلت‌ها با اطلاع بود. او تمایلی به تصوف داشت به طوری که از تفسیر پارسی اش و شرح شهاب وی به دست می‌آید.^۵

او در بین علما و دانشوران از احترام خاصی برخوردار بوده؛ یادداشت ذیل، القاب و مقام و پایگاه علمی او را در بین شیعیان نشان می‌دهد:

الشیخ الاجل الاوحد الامام العالم الرئيس جمال الملة والدين قطب الاسلام والمسلمين شرف الائمة فخر العلماء مفتی الطائفة سلطان المفسرين ترجمان كلام الله المبين حسين بن علی بن محمد، ابوالفتوح الخزاعي الرازي (ره).^۶

او در برخی از علوم متداول زمان خود استاد بود و تفسیر او، بیانگر تبخّر و چیرگی وی در نحو، قرائات، حدیث، فقه، اصول فقه و تاریخ است.

چون نسب جمال الدین، ابوالفتوح حسین بن علی بن محمد بن احمد بن حسین بن احمد خزاعی نیشابوری به نافع بن بدیل بن ورقاء خزاعی می‌رسد و بنی خزاعه از نوادگان عمر بن ربیع بوده‌اند اصل عربی دارد. روشن نیست که اجداد ابوالفتوح رازی از چه زمانی به ایران آمده‌اند، ولی مهاجرت آنان احتمالاً می‌بایست در سده‌های ۱ و ۲ق صورت گرفته باشد. ایشان نخست در نیشابور مسکن گزیدند و جد دوم ابوالفتوح، ابوبکر احمد بن حسین بن احمد با نسبت نیشابوری خزاعی خوانده می‌شد. اقامت آنان در ری گویا در زمان همین ابوبکر احمد آغاز شده است.

وی از فرزندان نافع بن بدیل بن ورقاء خزاعی از اصحاب معروف حضرت رسول الله (ص) است، چنان که خود در چند جای از تفسیرش اشاره نموده است، از جمله در سورة آل عمران ذیل آیه «ولا تحسبن الذين قتلوا فی سبیل الله»^۱ می‌گوید از جمله ایشان حارث بن صمّه و حزام بن ملحان و عروة بن اسماء و نافع بن بدیل بن ورقاء الخزاعی و این مرد از پدران ماست^۲ و در ذیل آیه «هم الذين كفروا و صدوكم عن المسجد الحرام»^۳ نیز به این مطلب تصریح کرده است. ... شرح احوال بدیل و فرزندان او که همه از افاضل و صحابه رسول الله (ص) بوده‌اند و بسیاری از ایشان از یاران مخلص امیر المؤمنین (ع) و در رکاب آن حضرت در صفین به درجه شهادت رسیده‌اند در کتب سیر و تواریخ چون کامل ابن اثیر و تاریخ الا هم و الملوک طبری و بسیره ابن هشام مذکور است.

اطلاع دقیقی از تاریخ تولد ابوالفتوح در دست نیست و گویا بعد از سال ۴۸۰ق در شهر ری چشم به جهان گشوده است و از

۱. آل عمران (۲) آیه ۱۶۴.

۲. روض الجنان و روح الجنان، ج ۵، ص ۱۴۸.

۳. فتح (۴۸) آیه ۲۴.

۴. ریاض الجنه، ج ۲، ص ۴۵۸.

۵. ترجمه ریاض العلماء، ج ۲، ص ۱۷۳.

۶. مقدمه تفسیر ابوالفتوح، تصحیح دکتر یاحقی و دکتر ناصح، ج ۱، ص ۶۰.

مآثر فضل و مساعی جمیله او در تفسیر کتاب کریم^۷ و ابطال تأویلات سقیم مخالفان ائیم و تعسفات^۸ نامستقیم مبتدعان رجیم بر همگنان مخفی نیست و از تفسیر فارسی او ظاهر می شود که معاصر صاحب کشف بوده و بعضی از اشعار صاحب کشف به او رسیده، اما کشف به نظر او نرسیده^۹ و این تفسیر فارسی در وثاقت تحریر و عذوبت تقریر و دقت نظری نظیر است. فخرالدین رازی (۵۴۴-۶۰۶) اساس تفسیر کبیر خود را از آن جا اقتباس نموده و جهت دفع توهم انتحال^{۱۰} بعضی از تشکیکات خود را بر آن افزوده، در مطاوی این مجالس پر نور، شطری از روایات و لطائف نکات و اشارات او مسطور است.

ابوالفتوح را تفسیری عربی هست که در خطبه تفسیر فارسی به آن اشاره نموده، اما تا غایب به نظر نرسیده و شیخ عبدالجلیل رازی در بعضی مصنفات خود، ذکر شیخ ابوالفتوح رازی نموده و گفته که خواجه امام ابوالفتوح رازی، مصنف بیست مجلد است از تفسیر قرآن و در موضعی دیگر گفته که خواجه ابوالفتوح رازی بیست مجلد از تفسیر قرآن، تصنیف او است که ائمه علمای همه طوایف، طالب و راغبند آن را و ظاهراً اکثر آن مجلدات از تفسیر عربی او خواهد بود، زیرا که نسخه فارسی او چهار مجلد است که هر کدام به قدر سی هزار بیت باشد و شاید که هشت مجلد نیز سازند، پس باقی مجلدات از تفسیر عربی او خواهد بود.^{۱۱}

قدیمی ترین ترجمه و شرح حالی که از ابوالفتوح به دست است به قلم دو نفر از معاصرین و تلامذه اوست: یکی شیخ منتجب الدین ابوالحسن علی بن عبیدالله بن الحسن بن الحسین بن بابویه رازی متوفی بعد از سنه ۵۸۵ صاحب فهرست معروف که در اول مجلد ۲۵ بحار الانوار مرحوم مجلسی (چاپ کمپانی) به تمامه مندرج و در چاپ های جدید بحار (چاپ آخوندی) جلد ۱۰۵ می باشد و با تحقیق دکتر سید جلال الدین ارموی در سال ۱۳۶۶ شمسی مستقلاً چاپ شده است.

نظر به اهمیت این کتاب، بزرگان شیعه پیوسته به استنساخ و نقل روایت و حفظ نسخه آن مبادرت کرده اند، چنان که مثلاً مجموعه ای در کتابخانه آیت الله العظمی گلپایگانی (ره) وجود دارد، شامل چهار کتاب:

اربعون حدیثاً من اربعین شیخاً من اربعین صحابياً؛ حکایات لطیفه در مناقب امیر المؤمنین (ع)؛ فهرست منتجب الدین؛ معالم العلماء ابن شهر آشوب.

با کتابت در حدود قرن نهم که با خطوط علما و تملک بزرگان و امضای شیخ بهائی (ره) و ... می باشد. کد کتاب مذکور ۱۲۸/۶ است که در این مقاله از آنها استفاده شده است و تصویر آن ضمیمه گردید.

دیگر رشیدالدین ابو جعفر محمد بن علی بن شهر آشوب مازندرانی معروف به ابن شهر آشوب صاحب کتاب مشهور معالم

۷. تفسیر ابوالفتوح رازی با نام *روض الجنان و روح الجنان*، نخستین بار در زمان مظفرالدین شاه قاجار در ۱۳۲۳ ق به کوشش ملک الشعراء صبور و ملا داود ملاباشی مورد تحقیق قرار گرفت و در انتها به کوشش ملا داود ملاباشی در دو جلد منتشر شد. سپس به دستور علی اصغر حکمت و همت نصرالله تقوی در ۱۳۱۳-۱۳۱۵ ش سه جلد دیگر آن نیز منتشر گردید، با مؤخره ای از محمد قزوینی. از روی همین چاپ با تصحیحی جدید و حواشی مهدی الهی قمشه ای در ۱۳۲۰-۱۳۲۲ ش انتشار دیگری صورت گرفت و بار دیگر با تصحیح و حواشی مرحوم میرزا ابوالحسن شعرانی در ۱۳۸۲ ق زیور چاپ یافت (و پس از آن به صورت افست بارها چاپ شد). وجه مشترک این چاپ ها آن است که از روی نسخه واحد صورت گرفته و تقریباً با هیچ نسخه ای مقابله نشده است و از سال ۱۳۶۵ ش چاپ تحقیقی دیگر بر مبنای تقسیم خود رازی در بیست جلد به کوشش دکتر یاحقی و دکتر ناصح بر اساس چندین نسخه خطی با در نظر گرفتن شیوه های علمی تصحیح در مشهد آغاز شد و آخرین جلد آن در سال ۱۳۷۵ ش انتشار یافته است.

در این چاپ متأسفانه مصححان ضبط و قرائت آیات قرآنی را از صورت اصلی خود در تفسیر تغییر داده و بر قرائت حفص از عاصم انطباق داده اند که ناگزیر تفاوت هایی را بین معانی آیات با متن پیش آورده است *اداره المعارف بزرگ اسلامی*، ج ۶، ص ۱۱۳.

۸. تعسف: بیراهه رفتن، بدون تأمل به کاری پرداختن.
۹. دو سه دهه آغاز سده ششم ق را باید «عصر تفسیرنویسی» بنامیم، زیرا در این دو سه دهه به فاصله کمتر از سی سال دست کم چهار تفسیر بزرگ و پرآوازه قرآن مجید که در همه دوره ها تا روزگار ما اعتبار و جایگاه خاصی داشته اند تألیف شده است؛ از این چهار تفسیر دو تا به پارسی و دو تا به عربی است و از هر یک از آن دو، یکی بر مشرب تشیع و دیگری بر مذاق تسنن. آن چهار تفسیر به ترتیب قدمت عبارتند از: کشف الاسرار و عده الابرار به فارسی از ابوالفضل رشیدالدین میبدی بر مشرب تسنن که تألیف آن بر اساس تفسیر عرفانی خواجه عبدالله انصاری در سال ۵۲۰ ق صورت گرفته است.

تفسیر *روض الجنان و روح الجنان* یعنی کتاب مورد بحث، تألیف یافته میان سال های ۵۱۰ تا ۵۳۳ یا چند سال بعد بر مشرب فقه شیعه. *الكشاف عن حقایق التنزیل* معروف به تفسیر «کشف» از علامه جلال الله زمخشری خوارزمی بر مذاق تسنن که در سال ۵۲۸ ق در مکه معظمه به عربی تألیف یافته است.

و *مجمع البیان فی تفسیر القرآن* از ابوعلی فضل بن حسن طبرسی ملقب به امین الدین و امین الاسلام مفسر و دانشمند معروف شیعی، که در سال ۵۴۸ به عربی تألیف شده است.

نکته در خور توجه آن که این چهار مفسر بزرگ در زمان و مکان هایی نه چندان دور، هریک جداگانه و به طور مستقل ضرورت تألیف تفسیری را احساس می کنند و بی آن که ظاهراً از کار یکدیگر مطلع باشند، به دلیل آن که هیچ کدام از کتاب دیگری نامی به میان نیاورده اند «مقدمه تفسیر دکتر یاحقی-دکتر ناصح، ص ۶۲ و ۶۳».

۱۰. انتحال: سخن یا شعر کسی را به خود نسبت دادن.

۱۱. *ریاض الجنه*، ج ۲، ص ۴۵۸.

پس از زهده القلوب بر حسب ترتیب زمانی در کتاب حدیقه الشیعه مرحوم ملا احمد اردبیلی متوفی در سنه ۹۹۳ در اواخر فصل راجع به مذاهب صوفیه و ذم عقاید ایشان شرحی مفید در خصوص مقبره ابوالفتوح رازی به نقل از یکی از معاصرین صاحب ترجمه مذکور است که ذیلاً نقل می شود: ۲۳

ابن حمزه ۲۴ علیه الرحمة در کتاب ایجاز المطالب فی ابراز المذاهب و کتاب هادی الی النجاة من جمیع المهلكات در هر

العلماء . وی در ۲۲ شعبان سال ۵۸۸ ق فوت نمود و در حلب در مشهد محسن بن الامام ابی عبدالله الحسین (ع) مدفون گشت .

شرح حال ابوالفتوح رازی در دو کتاب مزبور گرچه در نهایت اختصار و حاوی هیچ گونه معلومات تاریخی نیست ، ولی چون به قلم دو نفر از معاصرین خود مؤلف است در غایت اهمیت است ، عین عبارت منتجب الدین در فهرست از قرار ذیل است :

الشیخ الامام جمال الدین ابوالفتوح الحسین بن علی بن محمد الخزاعی الرازی عالم واعظ مفسر دین له تصانیف منها التفسیر المسمی بروض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن عشرين مجلد و روح الاحباب و روح الالباب فی شرح الشهاب قراءتها علیه ؛ ۱۲ شیخ امام جمال الدین ابوالفتوح حسین بن علی بن محمد خزاعی رازی عالم و واعظ و مفسر و متدین ، او را تصانیفی است از آن جمله تفسیر موسوم به روض الجنان ۱۳ [و رُوح الجنان ۱۴] فی تفسیر القرآن در بیست مجلد و روح الاحباب و روح الالباب فی شرح الشهاب . ۱۵ هر دو کتاب مزبور را من بر مؤلف آنها قرائت نموده ام .

عبارت ابن شهر آشوب در معالم العلماء از قرار ذیل است :

شیخی ابوالفتوح بن علی الرازی له روح الجنان فی تفسیر القرآن فارسی الا انه عجیب ، شرح الشهاب ؛ ۱۶ استاد من ابوالفتوح بن علی رازی ۱۷ از تألیفات اوست روح الجنان ۱۸ فی تفسیر القرآن ، به زبان فارسی که از آثار مهم او و عجیب است [یعنی خوش آیند و مطبوع است] و شرح شهاب . ۱۹

و باز همو در کتاب دیگر خود مناقب آل ابی طالب معروف به مناقب ابن شهر آشوب در ضمن تعداد مشایخ خود از «ابوالفتوح حسین بن علی بن محمد رازی» یاد می کند و در اواخر همان فصل باز گوید : «و ابوالفتوح روایت روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن را به من اجازه داده است» . ۲۰

پس از منتجب الدین و ابن شهر آشوب در کتاب زهده القلوب حمدالله مستوفی که در سنه ۷۴۰ ۲۱ تألیف شده نیز ذکری از صاحب ترجمه آمده ؛ وی در کتاب مزبور در فصل راجع به ری گوید : «و در ری اهل بیت بسیار مدفونند و از اکابر و اولیا آسوده اند ، چون ابراهیم خواص و کسائی ، سابع قرآء السبعة و محمد بن الحسن العنقه و هشام و شیخ جمال الدین ابوالفتوح» ۲۲ و شکی نیست که مقصود از شیخ جمال الدین ابوالفتوح به نحو قطع و یقین همین جمال الدین ابوالفتوح رازی مؤلف تفسیر است ؛ چنان که معلوم است مرقد او در جنب مزار فائض الانوار امامزاده واجب التعظیم حضرت عبدالعظیم بن عبدالله حسنی می باشد که در جنوب طهران واقع است .

۱۲ . نسخه خطی کتابخانه آیت الله العظمی گلپایگانی کد ۶/۱۲۸ .

۱۳ . رُوض و رُوح هر دو به فتح «راء» است و جنان اول به کسر جیم است جمع جنت یعنی باغ و جنان دوم به فتح جیم است به معنای قلب و رُوح الجنان یعنی گشایش قلب .

۱۴ . این دو کلمه یعنی روح الجنان قطعاً از نسخه مطبوعه فهرست منتجب الدین از قلم افتاده چه عین همین دو کلمه در امل الأمل شیخ حر عاملی به نقل از همین فهرست منتجب الدین صریحاً و واضحاً موجود است و امل الأمل چنان که گفتیم عین عبارت فهرست منتجب الدین را بدون تصرف نقل می کند ، رجوع شود به : امل الأمل ، ج ۲ ، ص ۹۹ و ۱۰۰ (چاپ نجف ، ۱۳۸۵) .

۱۵ . یکی از این دو روح و ظاهراً اولی به فتح «راء» است و دیگری به ضم آن و مقصود از «شهاب» کتاب شهاب الاخبار محمد بن سلامه قضاعی است .

۱۶ . نسخه خطی کتابخانه آیت الله العظمی گلپایگانی کد ۶/۱۲۸ .

۱۷ . ابن شهر آشوب با این که وی از شاگردان ابوالفتوح است کنیه او را نام او پنداشته یا ممکن است کنیه اش به اندازه ای شهرت داشته که نام او را تحت الشعاع خویش قرار داده است .

۱۸ . بدون شبهه «روح» تصحیف «روض» است به قرینه تصریح جمیع مآخذ و نیز به قرینه تصریح خود ابن شهر آشوب در کتاب دیگر خود مناقب که همه بدون استثنا نام این تفسیر را «روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن» ضبط کرده اند .

۱۹ . معالم العلماء ، ص ۱۴۱ (طبع نجف) .

۲۰ . مناقب ابن شهر آشوب ، ج ۱ ، ص ۹ (طبع تهران) .

۲۱ . الذریعه ، ج ۲۴ ، ص ۱۲۱ .

۲۲ . زهده القلوب ، ص ۱۴۴ (طبع ۱۳۱۱) .

۲۳ . حدیقه الشیعه ، ص ۶۰۴ (علمیه اسلامیة ، تهران) .

۲۴ . مابین علمای شیعه دو نفر معروف به ابن حمزه بوده اند : یکی عمادالدین ابوجعفر محمد بن علی بن حمزه بن محمد بن علی طوسی صاحب کتاب الوسیله در فقه از علمای اواخر قرن پنجم و اوایل قرن ششم (رجوع شود به روضات الجنات ، ص ۵۹۴-۵۹۸) و دیگر نصیرالدین ابوطالب عبدالله بن حمزه ابن عبدالله بن الحسن بن علی طوسی استاد شیخ قطب الدین کبیری و از جمله روایت از ابوالفتوح رازی صاحب ترجمه . وی از رجال اواسط الی اواخر قرن ششم بوده است (رجوع شود به فهرست منتجب الدین ، ص ۹ و روضات الجنات ، ص ۳۹۰-۳۹۱) و مراد از ابن حمزه در متن این دومی است چه صریحاً در روضات به نقل از ریاض العلماء یکی از دو کتاب مذکور در متن را یعنی ایجاز المطالب فی ابراز المذاهب را به او نسبت داده است و نیز تصریح کرده که وی از جمله روایت از ابوالفتوح رازی بوده است «مقدمه تفسیر ابوالفتوح ، تصحیح یاققی و ناصح ، ص ۴۲» .

دو کتاب می گوید که در شهر ری حاضر بودم که شیخ ابوالفتوح رازی [صاحب] تفسیر (ره) به رحمت حق تعالی پیوست و به موجب وصیتش در جوار مرقد امامزاده واجب التعظیم امامزاده عبدالعظیم حسنی (ره) مدفون گشت. پس به نیت حج متوجه مکه معظمه شدم و در وقت برگشتن گذارم به اصفهان و محلّت چنبلان^{۲۵} و بعضی دیگر از محلات آن شهر افتاد. دیدم که آن قدر از مردم آن دیار به زیارت^{۲۶} شیخ ابوالفتوح عجللی شافعی اصفهانی و حافظ ابو نعیم که پدر استاد اوست و شیخ یوسف بناء که جد شیخ ابو نعیم است و شیخ علی بن سهل و امثال ایشان که سنی و از مشایخ صوفیه بوده اند می رفتند که شیعه شهر ری و نواحی اش هزار یک آن به زیارت امامزاده عبدالعظیم نمی رفتند.

این شهادت صریح یکی از معاصرین ابوالفتوح رازی است که خود شخصاً در وقت وفات در ری حاضر بوده و به موجب وصیت در جوار مرقد حضرت عبدالعظیم مدفون گشت.^{۲۷} تاریخ فوت ابوالفتوح به درستی معلوم نیست، آخرین دست خطی که با تاریخ حروفی از ایشان پیدا شده، اجازه ای است که صاحب ریاض العلماء در اصفهان دیده است که ما عین این نوشته را نقل می کنیم:

... و قد رأيتُ الرُّبْعَ الأوَّلَ من تفسیره هذا فی اصفهان و كانت النسخة عتیقةً جداً و قد کُتبت فی زمانه، و علی ظهرها خطه الشریف و اجازته لبعض تلامذته و کان تاریخ اجازته له سنة اثنتین و خمسين و خمس مائة و عبر عن نسبه هكذا الحسين بن علی بن محمد بن احمد الخزاعي ...^{۲۸}

به گواهی این سند ابوالفتوح رازی تا سال ۵۵۲ هـ زنده بوده است. پس از حدیقه الشیعه ترجمه احوال ابوالفتوح رازی در کتاب مجالس المؤمنین قاضی نورالله شوشتری متوفای ۱۰۱۹ هـ آمده که در ترجمه حال ابوالفتوح مختصر اشتباهی دست داده که محققین و اهل فن مستدلاً رفع نموده اند^{۲۹} و چنان که پیداست ابوالفتوح بیشتر به وعظ و خطابه می پرداخته و بدان تعلق خاطر داشته است، چندان که این دل بستگی تأثیر آشکاری بر سبک تفسیری او نهاده است.

در کتاب های دیگری نیز کم و بیش شرح احوال ابوالفتوح رازی مسطور است که در پایان این مقاله نام آنها ذکر می شود و اغلب مندرجات آن کتاب ها مأخوذ از چند کتابی است که ذکر گردید و متضمن هیچ مطلب تازه ای نیست.

در کتاب مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل حاج میرزا حسین نوری متوفای ۱۳۲۰ ق ترجمه حال مفصلی از ابوالفتوح رازی و تفسیر و تألیفات دیگر او آمده است و حکایتی را مرحوم

محدث نوری از ریاض العلماء و از شرح شهاب خود مؤلف روایت کرده؛ چون تا درجه ای تازگی دارد ما آن حکایت را با توضیحی از ریاض العلماء نقل می کنیم:

شیخ ابوالفتوح رازی در شرح شهاب در شرح حدیث نبوی «ان الله لیؤید هذا الدین بالرجل الفاجر» پس از ذکر احوال مؤلفه قلوبهم گوید: برای من نیز نظیر همین وقایع روی داده و اجمال آن که من در ایام جوانی در خان معروف به خان^{۳۰} علان در ری (احتمالاً این خان منسوب به علان کلینی باشد) مجلس وعظ و تذکیر مرتب همی داشتیم و مرا در نزد عامه قبولی عظیم بودی، چنان افتاد که جمعی از یاران من بر من رشک بردند و در نزد والی شهر از من سعایت نمودند. والی مرا از گفتن مجلس منع فرمود و مرا همسایه ای بود از اعوان سلطان و آن موقع یکی از ایام عید بود و آن همسایه به عادت امثال خود عزم داشت که به شرب مشغول گردد. چون این حکایت بشنید عزم خود را ترک داده به نزد والی شد و او را از حسد یاران بر من و دروغ بستن ایشان درباره من بیگانهانید و سپس خود شخصاً آمده مرا از خانه بیرون آورد و به منبر برد و تا آخر مجلس وعظ در پای منبر بنشست. پس من به مردم گفتم این است معنای آنچه پیامبر (ص) فرموده که خداوند این دین را به مرد فاجر، توانایی دهد.^{۳۱}

۲۵. چنبلان به ضم جیم فارسی و سکون نون و ضم باء موحد و ولی تلفظ عامه به فتح آن است و نیز لام و الف و نون محله معروفی است از محلات اصفهان که از قدیم الایام نیز به همین اسم معروف بوده و ذکر آن در کتب تواریخ و مسالک و ممالک و غیره به هیأت چنبلان و سنبلان و سنبلان مکرر آمده است؛ رجوع شود به: فروخی، مجلسن اصفهان ما، ص ۸۱ و انساب سمعانی، ص ۳۱۲ در نسبت «سنبلانی» و معجم البلدان، ج ۳، ص ۱۵۶ در «سنبلان» و روذات الجنات، ص ۳۵۸ و هوثم شیندلر، هراق هجم شرقی، ص ۱۲۱، به نقل از مقدمه تفسیر ابوالفتوح، تصحیح یاحقی و دکتر ناصح، ص ۳۲.

۲۶. از سیاق عبارت متن واضح است که مقصود زیارت قبر ابوالفتوح عجللی است نه زیارت خود او در حال حیات او و چون وفات ابوالفتوح عجللی (اسعد بن محمود) در سنه ششصد بوده است معلوم می شود که ورود این حمزه به اصفهان بعد از این تاریخ یا منتهی در همان سال بوده است و در ضمن معلوم می شود که وفات ابوالفتوح رازی مدتی که مقدار آن ولو به وجه تقریب معلوم نیست قبل از وفات ابوالفتوح عجللی یعنی قبل از سنه ششصد بوده است «مقدمه تفسیر ابوالفتوح»، تصحیح یاحقی و ناصحی، ص ۲۳.

۲۷. حلیقه الشیعه، ص ۶۰۴.

۲۸. ریاض العلماء، ج ۲، ص ۱۵۷ (طبع خیام، قم، ۱۴۰۱ ق).

۲۹. رجوع کنید به مقدمه تفسیر ابوالفتوح، تصحیح یاحقی و ناصح، ص ۳۴ به بعد.

۳۰. خان: به معنی سرا، کاروانسرا، محل فرود آمدن مسافری.

۳۱. ترجمه ریاض العلماء، ج ۲، ص ۱۷۷.

بن احمد نیشابوری خزاعی ثقه و حافظ و واعظ بوده و از آثارش الامالی، ۴۵، السیر، ۴۶، اعجاز القرآن ۴۷ و کتاب بیان من کنت مولاه ۴۸ را بر شمرده است.

دیگر عموی پدر ابو الفتوح، ابو محمد عبدالرحمن بن احمد، مفید نیشابوری است که از محدثان بلند پایه امامیه در عصر خود بوده و نزد اهل سنت نیز فردی شناخته شده است و احادیث را از مؤلف و مخالف سماع نموده است.

در صفحه ۲۶ مقدمه روض الجنان، یاحقی و ناصح مطالبی را از کتاب لسان المیزان ابن حجر نقل می کنند که ما به اختصار آن را می آوریم: یحیی ابن ابی طی گوید وی (عبدالرحمن بن احمد) یکی از داناترین و بصیرترین مردم بود به حدیث و رجال آن و گویند در مجلس او بیش از سه هزار دوات می بود (یعنی بیش از سه هزار نفر در مجلس درس او حاضر می شدند). هم او گوید: هیچ حدیثی از او نپرسیدندی، الا آن که صحیح آن را از سقیم آن باز شناختی و پیوسته گفתי صد هزار حدیث از حفظ دارم و نیز گفתי اگر مرا اقتدار بودی هر آینه پنجاه هزار حدیث که مردم بدان عمل (می) نمایند، ولی آنها را اصلی و صحیحی نیست بیفکندمی (ابو الفتوح رازی مکرر در تفسیرش از او نام برده و از تألیفاتش مطالبی نقل کرده است).

وی از شاگردان سید مرتضی، شیخ طوسی، سلار دیلمی، ابن برآج متوفی ۴۸۱ و کراجکی و از علما و دانشمندان نامدار امامیه بوده و در حدیث تألیفاتی معتبر چون سفینه النجاة، ۴۹.

چنین معلوم می شود که منابع و مجالس او بسیار عالی برگزار می شده که در نزد مردمان مورد قبول بوده است، چنان که بعضی ها به او رشک می برده اند و به دلیل سعایت حاسدان مدتی از وعظ محروم گردید و از طرفی بر حسب ظاهر شاید برای ما تا اندازه ای غریب به نظر آید که ابو الفتوح جزای نیکی و احسان آن مرد و شفاعت وی را در نزد والی بدین طریق جواب داده، علنا او را بر منبر فاجر خوانده و یکی از مصادیق حدیث مذکور «ان الله لیؤید هذا الدین بالرجل الفاجر» قرار داده، ولی چون خصوصیات این واقعه برای ما معلوم نیست بدون شک باید فرض نمود که مؤلف را قطعاً عذری شرعی در این گونه رفتار بوده، مثلاً شاید آن مرد متجاهر به فسق بوده یا شاید از نکوهیدن علنی او احتمال ترک افعال ناستوده وی می داده و نحو ذلک از معاذیر شرعیه. ۳۲

اسامی عده ای از مشاهیر خاندان ابو الفتوح

خاندان ابو الفتوح، همگی، اهل علم و فضل و از علمای امامیه و فقهای بوده اند که هر یک دانشمندان متعددی پرورده اند و ریاض العلماء از آنان به عنوان سلسله ای معروف از علمای امامیه - که هر یک تألیفات متعدد داشته اند - یاد کرده است.

اگرچه از پدر ابو الفتوح در الفهرست منتجب الدین به طور مستقل نام برده نشده است، لیکن از آن جا که ابو الفتوح از وی بهره علمی برده، می توان گفت که از زمره علما و دانشمندان بوده است.

جد ابو الفتوح، ابوسعید محمد بن احمد که منتجب الدین از وی با عنوان الشیخ المفید نام برده است محدثی چیره دست بوده و تألیفاتی داشته است، از این قرار: الروضة الزهراء فی مناقب فاطمة الزهراء (س)، ۳۳ الفرق بین المقامین و تشبیه علی (ع) بذی القرنین، ۳۴ الاربعین عن الاربعین فی فضائل امیر المؤمنین (ع)، ۳۵ المولی، ۳۶ التفهیم فی بیان التقسیم، ۳۷ الرسالة الواضحة فی بطلان دعوی الناصبه و ما لا بد من معرفته. ۳۸

از دیگر خاندان ابو الفتوح ابوبکر احمد بن حسین بن احمد است که با نسبت نیشابوری خزاعی خوانده می شد. اقامت آنان در ری گویا در زمان همین ابوبکر احمد آغاز شده. وی شاگرد سید مرتضی (متوفی ۴۳۶) و سید رضی (متوفی ۴۰۶) و شیخ طوسی (متوفی ۴۶۰) بود و از آثارش الامالی ۳۹ در چهار مجلد، عیون الاحادیث، ۴۰ الروضة در فقه، ۴۱ السنن، ۴۲ المفتاح در اصول ۴۳ و المناسک ۴۴ را بر شمرده اند.

برادر این ابوبکر نیز در شمار عالمان بود و محسن نام داشت. منتجب الدین در احوال وی گفته: شیخ عادل محسن بن الحسین

۳۲. مقدمه تفسیر ابو الفتوح، تصحیح یاحقی و ناصح، ص ۴۳.

۳۳. الدریمه، ج ۱۱، ص ۲۹۴؛ تفسیر ابو الفتوح شعرائی، ج ۳، ص ۳۷؛ فهرست منتجب الدین، تحقیق ارموی، ص ۱۰۲.

۳۴. الدریمه، ج ۱۶، ص ۱۷۷.

۳۵. همان، ج ۱، ص ۴۳۲.

۳۶. همان، ج ۲۳، ص ۲۷۸.

۳۷. معالم العلماء، ص ۱۱۶ (چاپ نجف).

۳۸. معالم العلماء، ص ۱۱۶؛ الدریمه، ج ۱۱، ص ۲۲۹.

۳۹. الدریمه، ج ۲، ص ۳۰۷.

۴۰. همان، ج ۱۵، ص ۳۷۵.

۴۱. همان، ج ۱۱، ص ۲۸۱.

۴۲. همان، ج ۱۲، ص ۲۳۷.

۴۳. همان، ج ۲۱، ص ۳۱۳.

۴۴. همان، ج ۲۲، ص ۲۵۴.

۴۵. همان، ج ۲، ص ۳۱۳.

۴۶. همان، ج ۱۲، ص ۲۷۶.

۴۷. همان، ج ۲، ص ۲۳۲.

۴۸. همان، ج ۳، ص ۱۸۴.

۴۹. همان، ج ۱۲، ص ۱۹۹.

العلویات، ۵۰ الرضویات^{۵۱} (یا مناقب الرضا)، الامالی^{۵۲} و عیون الاخبار^{۵۳} داشته است. ۵۴

از شاگردان برجسته ابوالفتح باید از منتجب الدین رازی و ابن شهر آشوب نام برد. منتجب الدین دو اثر استادش با عنوان های روض الجنان و روح الاحباب را نزد خود وی خواند (فهرست منتجب الدین، با تحقیق محدث ارموی، ص ۴۸) و ابن شهر آشوب به کسب اجازه روایت تفسیر او (روض الجنان) نائل آمد (ابن شهر آشوب، مناقب، ج ۱، ص ۱۲). از میان دیگر شاگردان و راویان او می توان ابنان را نام برد: ابوطالب نصیر الدین عبدالله بن حمزه طوسی صفی الدین ابو محمد حسن بن ابی بکر بن سبار الحیروی (۴)، عماد الدین ابوالفرج علی فرزند قطب الدین سعید بن هبة الله راوندی و شریف شرفشاه بن محمد بن حسین بن زیارة افسسی.

از فرزندان ابوالفتح دو تن در شمار عالمان بودند: یکی صدر الدین علی^{۵۵} که منتجب الدین از وی با تعبیر «فقیه دین» یاد کرده و دیگری تاج الدین ابو جعفر محمد^{۵۶} که از او با عنوان «فاضل و رع» یاد کرده است. تاج الدین خود نزد پدر شاگردی کرده است. سال ۵۵۲ق آخرین تاریخی است که درباره زندگی ابوالفتح از آن آگاهی داریم و آن از متن اجازه ای به دست می آید که برای روایت روض الجنان به شاگرد خود داده بوده است که متن عربی آن گذشت. در خاتمه عنوان کتاب هایی که شرح احوال ابوالفتح رازی را آورده یا به مناسبتی نام او را ذکر نموده است می آوریم، امید است محققین را سودمند افتد:

تفسیر ابوالفتح رازی، ج ۵، ص ۱۴۸ و ج ۱۷، ص ۳۵۴ (چاپ جدید) و ج ۵، ص ۶۱۵-۶۵۶ (چاپ اول)؛ فهرست منتجب الدین، ص ۸ و ۳۳ و ۴۵ و ۴۸ و ۶۰ و ۱۹۵ و صفحاتی دیگر؛ مناقب ابن شهر آشوب، ج ۱۰، ص ۹-۱۲؛ معالم العلماء، ص ۱۴۱؛ زهدة القلوب، ص ۵۴؛ حدیقه الشیعة، ص ۳۳۶؛ النقص، ج ۱، ص ۵۱ و تعلیقات، ج ۱، ص ۱۶۵ و ۶۳۳؛ تفسیر گازر (جلاء الاذهان و جلاء الاحزان)، مقدمه، ص ۶۴؛ التدوین فی اخبار قزوین، ج ۲، ص ۲۹۳؛ حدائق الحقائق کیدری، ج ۳، ص ۱۲۳۳؛ مجالس المؤمنین، ج ۱، ص ۴۸۹ به بعد؛ بحار الانوار، ج ۱، ص ۱۰ و ج ۱۶ و ۲۵، ص مقدمه و ج ۴۸، ص ۳۱۳ و ج ۱۰۳، ص ۲۲۰ و ۲۴۵ و ۲۷۹؛ مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۶۵-۳۲۵ و ۴۸۷-۴۸۹؛ نقد الرجال تفرشی، ج ۲، ص ۱۰۸-۱۰۹ و ج ۵، ص ۲۰۶؛ امل الآمل، ج ۲، ص ۱۲ و ۲۲ و ۳۴ و ۵۴ و ۹۹ و ۱۱۱ و ۱۴۲ و ۱۴۷ و ۱۵۲ و ۲۲۸ و ۲۴۰؛ ریاض العلماء، ج ۲، ص ۱۵۶-۱۶۳؛ تعلیقه امل الآمل، ص ۱۳۹ و ۱۴۰؛ جامع الرواة، ج ۱، ص ۲۴۹؛ منتهی المقال، ج ۳، ص ۶۳-۶۴ و ج ۷، ص ۲۲۲؛ تعلیقه بهبهانی، ص ۳۸۲؛ بهجة الآمال، ج ۳، ص ۳۰۲؛ کشف الحجب والاستار، ص ۲۹۳

۲۹۴؛ روضات الجنات، ج ۲، ص ۳۱۴-۳۱۷؛ تنقیح المقال، ج ۱، ص ۲۳۵؛ ایضاح المکنون، ج ۱، ص ۵۸۵ و ۵۹۴؛ طرائف المقال، ج ۱، ص ۱۱۷؛ الکنی واللقاب، ج ۱، ص ۱۳۷؛ هدیه الاحباب، ص ۳۳؛ فوائد الرضویة، ص ۱۴۶-۱۴۸؛ ریحانة الادب، ج ۷، ص ۲۲۶-۲۲۹؛ جنة النعیم فی احوال عبدالعظیم، ص ۵۱۳-۵۱۴؛ تأسیس الشیعة، ص ۳۴۰؛ اعیان الشیعة، ج ۲، ص ۳۹۴ و ج ۶، ص ۱۲۴؛ مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی مشار، ج ۲، ص ۸۲۰؛ معجم المؤلفین، ج ۴، ص ۳۵؛ الجامع فی الرجال، ج ۱، ص ۶۲۱-۶۲۲؛ معجم رجال الحدیث، ج ۶، ص ۵۰ و ج ۲۲، ص ۹؛ سهم ایرانیان در تفسیر قرآن، ص ۲۲؛ فهرست الفبائی کتب خطی آستان قدس رضوی، ص ۲۸۷؛ فهرست مرعشی، ج ۱، ص ۲۸۸ و ج ۱۹، ص ۲۴۷ به بعد؛ تاریخ ادبیات در ایران صفا، ج ۲، ص ۹۶۴ و ۹۶۵؛ دائرة المعارف تشیع، ج ۱، ص ۴۲۹ و ۴۳۰ و ج ۴، ص ۵۱۱-۵۱۳؛ سبک شناسی بهار، ج ۲، ص ۳۹۱؛ دانشنامه ایران و اسلام، ج ۷، ص ۹۷۴-۹۷۵؛ هزار سال تفسیر فارسی ناصری، ص ۴۰۲ و ۴۰۳؛ گنجینه سخن، ج ۲، ص ۲۲۱؛ طبقات مفسران شیعة شفیعی، ص ۹۹-۱۰۱؛ الذریعة، ج ۴، ص ۹۷ و ج ۷، ص ۲۰ و ج ۱۱، ص ۲۶۱ و ۲۷۴ و ۲۷۵ و ج ۲۵، ص ۲۹۶؛ طبقات اعلام الشیعة، (قرن السادس)، ص ۷۹-۸۰؛ مجله یادگار، ۲/۶/۲۵؛ نامه آستان قدس، ۵/۴۴، ۵۱ (۱۳۴۰ش)؛ مجموعه خطابه های نخستین کنگره تحقیقات ایرانی؛ ج ۲، ص ۱۰۰-۱۲۵؛ مجموعه سخنرانی های دومین کنگره تحقیقات ایرانی، ج ۱، ص ۳۶-۵۶؛ تحقیق در تفسیر ابوالفتح رازی، ۳ جلد، دانشگاه تهران، ۱۳۴۶ش؛ مکتب اسلام، «مفاخر اسلام» از علی دوانی، سال ۱۳۳۷، ۱۱/۳۸-۴۵؛ مشکوة، نشریه آستان قدس رضوی، ۳/۱۶۰-۱۸۷ (۱۳۶۲ش) و ۶/۲۵-۹ (۱۳۶۳ش) و ۲۸/۱۶-۲۵، ۱۲۶-۱۴۲ (۱۳۶۹ش)؛ مجله مهر، ۴/۱۰/۹۷۶-۹۷۹؛ مقالات قزوینی، ج ۱، ص ۸-۶۲؛ فهرست کتابخانه مدرسه فیضیه قم، ج ۱، ص ۵۶؛ فهرست کتابخانه آیت الله العظمی گلپایگانی (ره)، ج ۱، ص ۲۸۴ (نقل از ریاض الجنة، ج ۲، ص ۴۵۹-۴۶۱).

۵۰. همان، ج ۱۵، ص ۲۲۷ و ۲۳۸.

۵۱. همان، ج ۱۱، ص ۲۴۰.

۵۲. همان، ج ۲، ص ۳۱۱.

۵۳. همان، ج ۱۵، ص ۲۷۵.

۵۴. فهرست منتجب الدین، با تحقیق ارموی، ص ۷۵.

۵۵. همان، ص ۸۵.

۵۶. همان، ص ۱۱۳.

